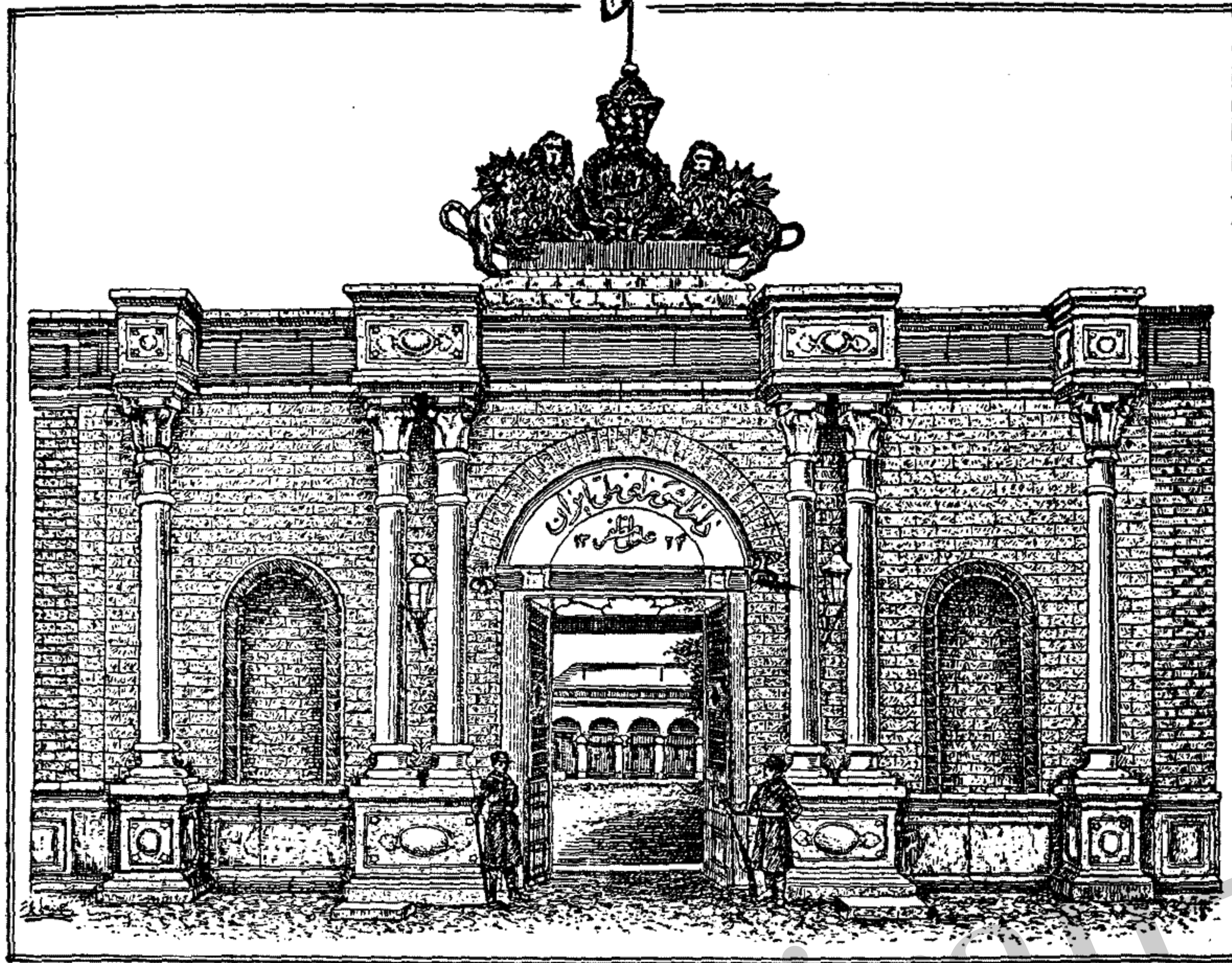


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۴۹</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۱۴</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنج شنبه ۶ مهر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲ ربیع الثانی ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	نصوب مرخصی آقایان فرنی - رفیع	۲۳۷۴	
۲	بقیه شورائی نسبت بقانون بلدی از ماده ۲۵ الی ماده ۲۷	۲۳۷۵	۲۳۹۵



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۶ مهرماه ۱۳۰۶ مطابق ۲ ربیع الثانی ۱۳۴۶

جلسه ۱۴۹

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر ریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس سه شنبه چهارم مهرماه را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان: دکتر سنک - امام جمعه شیراز - خطیبی -
 افشار - ضیاء - زارع - عباس میرزا - مهدوی - فرمند -
 ثقة الاسلامی - عدل - جوانشیر - میرزا ابراهیم آشتیانی

ملك آرائی - صالحی - زعیم - آية الله زاده اصفهان
غائبین نی اجازه جلسه قبل
آقایان: اسدی - علیخان اعظمی - نظام مافی - یاسائی
قوام - افسر - حاج حسن آقا ملک - حاج میرزا آقا
فرشی - حاج غلامحسین ملک - افخمی -
دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل
آقایان: بهبهانی - میرزا حسنخان وثوق
دیر آمدگان نی اجازه جلسه قبل
آقایان: فهیمی - مرتضی قلیخان بیات - حاج شیخ
بیات - دکتر مصدق .

رئیس - صورت مجلس مخالفتی ندارد؟
(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد .

رئیس - خبر کمیسیون عرایض قرائت میشود

(خبر کمیسیون عرایض و مرخصی راجع به مرخصی
آقای فرشی بشرح ذیل خوانده شد)

نماینده محترم آقای فرشی بواسطه امتداد کسالت ۴۵
روز از تاریخ ۱۷ شهریور تقاضای مرخصی نموده و نماینده
محترم آقای دکتر رفیع امین لزوم آرا جهت رفع کسالت ایشان
کتاباً تصدیق نموده لهذا کمیسیون هم مرخصی ۴۵ روزه
ایشانرا تصویب و راپرت آن تقدیم میشود .

رئیس - آقای بامداد

بامداد - يك قانونی به اسم قانون استخدام در
مجلس تصویب شد و در آن قانون نوشته شده است که اعضا
اداری سالی یکبار حق استفاده از مرخصی دارند و اغلب هم
داده نمیشود . آنها روزی شش ساعت کار میکنند غیر از
دوسیه ها که درخانه شان میبرند . آقای فرشی سه ماه
اجازه گرفته و تشریف برده اند . حالا نمی توانند بیایند
تشریف نیاورند . لا اقل حقوقشان را نگیرند مستأصل هم
نیستند . کمیسیون عرایض يك اقدامی کرد که حقیقتاً يك
قدیمی رو به انتظام رفت حالا میخواهد آرا نقض کند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای امامی

امامی - عرض کنم اغلب آقایان اخلاق آقای فرشی
را کاملاً ملتفت هستند آقای فرشی حقیقتاً يك وکیل
وظیفه شناسی هستند و همیشه به وظیفه خودشان عمل
کرده اند آقایان در اواخر ملاحظه فرموده بودند که آقای
فرشی قادر به حضور در مجلس نبودند و از راه اضطرار
اجازه گرفتند بروند اروپا معالجه کنند و از آنجا
نوشته اند و آقای دکتر رفیع خان هم کاملاً اطلاع دارند
که معالجه ایشان خاتمه پیدا نکرده و فقط از نقطه نظر اضطرار
است که این چهل و پنجروز را استجازه مرخصی کرده
اند و البته خود آقایان تصدیق میفرمایند یک نفر آدم که
مضطر و ناخوش است و ناچاراً در آنجا افتاده است
نمی تواند بدون اجازه غائب باشد و البته اگر از مجلس
استجازه کند بهتر است

رئیس - رأی گرفته میشود . آقایانیکه مرخصی چهل
و پنجروزه آقای فرشی را تصویب میکنند قیام فرمایند .
(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد .

(خبر کمیسیون عرایض و مرخصی راجع به مرخصی
آقای رفیع اینطور خوانده شد)

نماینده محترم آقای حاجی آقارضای رفیع برای مسافرت
بطرف آذربایجان از دوازدهم شهریور تا دوم مهر ماه
اجازه مرخصی خواستند کمیسیون با مرخصی ایشان
موافقت نموده راپورت آرا تقدیم مینماید .

رئیس - رأی گرفته میشود آقایانیکه مرخصی ایشانرا
تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده بیست و پنجم قانون
بلدی مطرح است .

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۲۵ - پس از وصول اعتبار نامه بلافاصله
وکلاي بلدی بموجب دعوت نامه حکومت در محلی که
برای آنها مقرر است حضور بهم رسانیده و در تحت ریاست
یک نفر رئیس سنی هیئت رئیسه خود را که عبارت است
از یک نفر رئیس و يك یا دو نفر نایب رئیس - و يك یا
دو نفر منشی - متناسب عدۀ اعضاء انجمن - برای مدت
دو سال انتخاب مینمایند .

تبصره - انجمن بلدی موافق نظامنامه مخصوصی که
از تصویب انجمن خواهد گذشت امور داخلی خود را
مرتب خواهد نمود .

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده با این ماده موافقم فقط يك اصلاحی
در اینجا لازم است . آنجا که میگوید (در محلی که
برای آنها) (محل انجمن) باشد بهتر است که اینطور بشود
در محلی که برای انجمن معین یا مقرر است . زیرا يك
اسم مذکوری نیست که ضمیر به آن ارجاع شود و محل
هم برای وکلا نیست محل انجمن بلدی است
مخبر - ممکن است در موقع نظریه خودشانرا پیشنهاد
بفرمایند .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در اینجا نوشته است پس از وصول
خواستم تذکر بدم آقای مخبر و سایر اعضاء کمیسیون را
که اینک نوشته شده پس از وصول اعتبارنامه بلافاصله
اینجا ظرف مدت لازم است باید يك روز یا دو روز مدت
برایش معین شود از اینجهت این را عرض کردم

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - اشکالی که بنده در این ماده دارم
این است که اینطوری که تنظیم شده است میرساند در
هر موقع که اینکار به عمل میآید باید وکلاي بلدی هیئت رئیسه
خودشان را در تحت ریاست رئیس سنی انتخاب کنند

در صورتیکه این ترتیبی که در ماده نوشته شده منحصر
به مرتبه اول انتخاب است . وقتی که تمام اعضاء انجمن
انتخاب شدند باید يك نفر رئیس سنی و بعد رئیس دائمی
انتخاب کنند و بعد از انتخاب دفعۀ اولی در هر دو سال
يك مرتبه يك نك از اعضاء انتخاباتشان تجدید میشود
و آنوقت بنام این شرایط نباید عمل شود . و بطوریکه
در این ماده نوشته شده مثل این است که تمام انتخابات
در دو سال یکمرتبه تجدید میشود و آنوقت باید در تحت
ریاست رئیس سنی هیئت رئیسه خود را انتخاب نمایند
و بعقیده بنده باید تصریح شود که در مرتبه اول اینطور
است و دوره های بعد که يك نك آنها انتخاباتشان
تجدید میشود باید بجه ترتیب عمل شود .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود . پیشنهاد آقای
احتشام زاده

(بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در سطر اول ماده ۲۵ عبارت (موجب
دعوت نامه حکومت) حذف شود
رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - قضیه دعوت نامه حکومت جزء
تشریفات است و بنده خیال میکنم جز اینکه اسباب
زحمت بشود فایده ندارد و يك وقت هم ممکن است
حکومت فرضاً بجهانی مایل نباشد انجمن تشکیل بشود
و دعوت نکند . چون جزء تشریفات است و از
مسائل جزئی است بنده معتقد هستم که
اگر در قانون ذکر بشود شاید اسباب زحمت بشود .

رئیس - آقای حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات - گمان میکنم این اشکالی نداشته باشد
همینطوری که در مجلس شورای ملی معمول است که
وقتی وکیل انتخاب میشود از طرف وزارت داخله دعوت
میشود راجع باین موضوع هم باید اعضاء انجمن از طرف
حکومت دعوت شوند اشکالی ندارد .

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای احتشامزاده. آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای دیبا.

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میجام ماده ۲۵ بترتیب ذیل تنظیم شود ماده ۲۵ - پس از وصول اعتبار نامه ها بلافاصله وکلای بلدی بموجب دعوت نامه حکومت در محلی که برای آنها مقرر است حضور بهم رسانیده در تحت ریاست مسن ترین اعضاء و تعیین دو نفر یا يك نفر از جوانترین اعضاء به منشی گری انجمن را تشکیل و هیئت رئیسه خود را که عبارت از یک نفر رئیس و يك یا دو نفر نائب رئیس با انتخاب مخفی و فردی و يك یا دو نفر منشی با انتخاب مخفی و جمعی معین نمایند. هرگاه در دو نوبت اکثریت نام تحصیل نشد در نوبت ثالث شخصی که نسبتاً اکثریت دارد منتخب خواهد شد. اعم از اینکه در نوبت اولی و ثانوی در مورد او رأی داده یا نداده باشند اگر عده آراء در مورد چند نفر مساوی شد یک نفر از آنها بحکم قرعه منتخب خواهد شد.

رئیس - آقای دیبا

دیبا - پیشنهاد بنده حقیقه عین آن ماده است ولی يك تغییراتی دارد راجع به هیئت رئیسه موقتی از منشی اسمی نبرده و همچنین تصریح هم نشده است که انتخاب فردی است یا جمعی و در صورت تساوی تکلیف چیست این است که بنده این پیشنهاد را کرده ام و در حقیقت اصلاح عبارتی است.

دادگر - یکمرتبه دیگر خوانده شود

(بشرح سابق خوانده شد)

مخبر - در قسمت تعیین دو نفر منشی اشکالی ندارد که اضافه شود بر ماده. ولی راجع بترتیب انتخاب و اکثریت نسبی در دفعه سوم و کشیدن قرعه گمان میکنم

آقا مراجعه به ماده ۳۱ نکرده اند که تکالیف اینکار را همه را معین کرده اگر مراجعه بان ماده فرمائید تمام اینها نامین شده

رئیس - قبول نمیکنید؟

مخبر - آن قسمت دو نفر منشی را فقط قبول میکنم ولی آخر ماده هم يك قسمتی داشت که گویا متذکر نشده اند.

دیبا - قسمت اول را که قبول کردند هیچ و نسبت به مابقی چون ماده ۳۱ ممکن است نامین کنند بن است که پس میگیرم

رئیس - باید قسمت اول را بنویسید که رأی بگیریم. فعلاً ماده بیست و شش مطرح میشود تا پیشنهاد برسد (ماده مزبوره بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۲۶ - وکلای بلدی قبل از شروع با اجرای وظایف قسم یاد می کنند که با کمال راستی و درستی و مراقبت موافق این قانون تکالیف خود را انجام دهند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده برای خاطر اینکه در آتیه نظیر این شبهه که آقای دکتر مصدق بیان کردند اتفاق نیفتد عرض می کنم. چون قسم را بنده لازم میدانم و در قانون اساسی هم هست باید مجازات برای تخلف از آن ذکر کرد. این نماینده بلدی که آمد باو گفتند قسم بخور اگر رفت بیرون قسم نخورد فردا که آمد چه خواهند کرد؟ ...

مدرس - وکیل نیست.

آقا سید یعقوب - آقای مخبر هم باید قبول بکنند که معین بشود چه باید کرد. یعنی مجازاتی داشته باشد که اگر قسم نخورد تکلیف چیست و باید چکار کرد؟

شیروان - قسم خوردن هم مثل نماز خواندن است.

مخبر - بموجب این ماده کسی که انتخاب میشود

مكلف است قسم یاد کند و چون هیچ قسمتی برای آنها رعایت نشده از قبیل مدد معاش و کمکهای دیگر او را چطور میشود الزام کرد که اگر قسم نخورد مجازاتش کنند؟ بعلاوه این نظیر فرمایشات آقای دکتر مصدق است خوب است اول اینجا را مقدمه قرار بدهند بعد آنجا را معین کنند.

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده اصولاً معتقد نیستم که وکلای انجمن بلدی قسم بخورند زیرا مردمانی که حقوق نمیگیرند چطور میشود گفت قسم بخورند. ما که قسم میخوریم پول ملت را میگیریم و باید قسم بخوریم و بعلاوه امر قانون اساسی است حالا فرضاً هم آقایان میخواهند این ماده را بگذارند بنده عقیده دارم که يك کلمه «حماً» قبل از آن بگذارند که حتماً باید سوگند بخورند یا اصلاً این ماده را بردارند که این ماده کش دار نباشد که هرکس میخواهد قسم بخورد و هرکس نمیخواهد قسم نخورد.

رئیس - رأی میگیریم

آقا سید یعقوب - پیشنهادی عرض کرده ام.

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل اضافه شود

تبصره - در صورت تخلف از قسم از مقام نمایندگی منفصل است.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - مجلس مقدس تصدیق میکنند که امروز این موضوع نظر به بیانات آقای دکتر مصدق محل بحث واقع شد و محل نظر است قوانینی که روز بروز وضع میکنیم باید توضیح در آنها داده شود وقتی که آقای دکتر مصدق اینجا اظهارات میکردند من گفتم که سابق اینطور بوده است که وکیل که میآمد مجلس قسم

میخورد و این سابقه قسم خوردن دیگر لايتخلف بود حالا ایشان که يك شخص فاضلی هستند نظرشان این است و بنده نظرم این است که اینجا ذکر شود که بعد از این این اشتباهات واقع نشود نه در وزارتخانهها نه در مجلس شورای ملی نه در انجمن بلدی و نسبت بایمان و نسبت بقسم خوردن و نسبت به تعهدات آزادی نداشته باشند مامور دولت که رفت در اداره باید قسم بخورد اگر نخورد منفصل است نمایندنده که می آید در مجلس باید مطابق آن قسم نامه که ملت او را فرستاده قسم بخورد و الا بنده اعتقاد ندارم به آن نماینده. نماینده انجمن بلدی که رفت باید قسم بخورد بآن قسم نامه که در نظامنامه تنظیم میشود. اگر يك کسی قسم نخورد و برای قسم خوردن حاضر نشد بنده چه تضمین دارم که به تکالیف خود عمل میکنند؟ این است که این پیشنهاد را بنده کردم آقای مخبر هم قبول بکنند که رفع این ابهام بشود و این موضوع معلوم باشد.

شیروان - صریح است قانون اساسی ابهام ندارد

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که بنده با پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب مخالف هستم ولی با يك طرز خاصی و آن این است که بنده میخواهم ترجمه کنم گفتار آقای مدرس و گفتار آقای رئیس را و بعد هم عقیده خودم را حالا شاید هم ترجمه گفتار آنها را موافق سلیقه خودم بکنم. بنظر بنده وقتی که برای معرفی شدن بيك سمتی شرایطی ذکر می شود فقدان آن شرایط سمت آن شخصی را از بین میبرد. این همان منطقی بود که آقای مدرس بآن متوسل بوده و عقیده ام بر این است وقتی که در اینجا قید می شود و قانون مملکتی ملزم می کند شخصی را باینکه قسم بخورد هیچگونه تعبیری نمیشود برای آن کرد. و مادام که قسم نخورد این قضیه در حال تعلیق میباشد تا آن که شرط عمل بشود و مطابق همین منطقی بود که در دوره پنجم قسم خوردیم و هیچکس هم نتوانست تخلف

بکند بنا بر این روی این منطبق است که بنده پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب را زاید میدانم یعنی وقتی که قانون وضع شد که وکیل باید قسم بخورد باید بخورد و اگر حالا بخواهند چیزی اضافه کنند مضافات است و بنده به تنهایی ماده را کافی میدانم و واجب میدانم اتیان باورا و تا موقعی که اتیان باور نشده است خواه نماینده مجلس شورای ملی خواه نماینده انجمن بلدی يك تقصیه در انتخاباتش هست .

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید در صورتیکه بنده تأمین شده است که اگر نشد منقصل است یعنی باید عمل بشرط بکند بنده پیشنهاد را پس میگیرم

رئیس - رأی گرفته میشود به ماده ۲۶ آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . پیشنهاد آقای دیبا راجع به ماده ۲۵

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میباید در ماده (۲۵) بعد از جمله رئیس سنی نوشته شود و تعیین يك یا دو نفر از جوانترین اعضاء به منشی گری

مخبر - بنده از طرف کمیسیون قبول میکنم .

رئیس - پیشنهاد آقای کازرون

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۲۵ در سطر دوم بجای کله آنها نوشته شود « انجمن »

رئیس - آقای کازرون

کازرون - مطلب مهمی نیست ...

بعضی از نمایندگان - آقای مخبر قبول کردند

کازرون - قبول کردند بسیار خوب

رئیس - پیشنهاد آقای غمادی

(بشرح آن خوانده شد)

پیشنهاد میباید در آخر ماده ۲۵ نوشته شود در مدت یکسال

رئیس - آقای غمادی

غمادی - برای اینکه همانطوریکه فرمودند در چند ماده از این لایحه شباهتی با انتخابات مجلس شورای ملی دارد بنده خواستم مثل مجلس شش ماه بگیرم دیدم خیلی اسباب زحمت میشد و علت اینکه یکسال عرض کردم این است که چون اعضاء انجمن ممکن است نسبت بهم دیگر در موضوع تعیین هیئت رئیسه يك سوء عملیات بکنند در یکسال مجاز باشند اگر آنها حسن خدمت کردند و اعضاء نسبت باشان اتکاء دارند باز همان ها را معین بکنند اگر نه اشخاصی که بدو دندیکسال یکسال تجدید شوند مخبر - اینکه در اینجا دو سال بدو سال قراردادند از نقطه نظر این است که در انقضاء هر دو سالی نك اعضاء بحکم قرعه خارج میشوند در عوض آن ها مجددا اشخاص دیگری انتخاب میشوند کمیسیون این نظر را گرفت که در موقع هر تجدید انتخابی هیئت رئیسه هم تجدید بشود . بعلاوه نمیشود تصور کرد که در انجمن بلدی همچو اختلاف نظریات تولید میشود که روی يك سیاستهایی باشد از اینجهت کمیسیون اینطور رای داد که دو سال بدو سال انتخاب شود

رئیس - برای میگیرم به پیشنهاد آقای غمادی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای فیروز آبادی
(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در آخر ماده ۲۵ عوض برای مدت دو سال نوشته شود (برای مدت یکسال انتخاب مینمایند)

رئیس - این رد شد رای گرفته میشود بماده ۲۵ یا دو فقره اصلاحی که شد یکی از طرف آقای کازرون

و یکی از طرف آقای دیبا آقایانیکه ماده ۲۵ را باین ترتیب تصویب میکنند قیام فرمایند
(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده ۲۷

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده ۲۷ - امور راجعه به انجمن بلدی از قرار ذیل است :

۱ - تعیین نوع و میزان عوارض و عایدات بلدی

۲ - تصویب بودجه و اعتبارات

۳ - طرح لایحه استقراض بلدی

تبصره - پیشنهاد استقراض در موردی است که امور مهمه و ضروری عام المنفعه با ایجاد مؤسسات اقتصادی بلدی در نظر باشد

۴ - طرح لایحه اعطای امتیازات شهری و پیشنهاد آن بوسیله وزارت داخله بمجلس شورای ملی

۵ - تصویب ایجاد مؤسسات اقتصادی بلدی

۶ - تصویب افتتاح حساب جاری

۷ - تصویب خرید و فروش اموال غیر منقوله

۸ - تصویب خرید و فروش اموال منقوله

۹ - تصویب جمع آوری اعانه های اختیاری در مواقع ضرورت با قبول اعانه باسم شهر

۱۰ - رسیدگی بحساب بلدی و تصویب لایحه تفریغ بودجه

۱۱ - نظارت در جریان امور بلدی و مؤسسات خیریه

۱۲ - تصویب کلیه نظامنامه های اداری بلدی

۱۳ - تصویب قواعد و نظامات عبور و مرور شهری و رعایت عفاف بین عابری و تعیین میزان اجرت و سوابق نقلیه در حوزه بلدی

۱۴ - تصویب تغییرات در نقشه شهر

۱۵ - تبدیل عوارض جنسی بنقدی

۱۶ - مراقبت در حسن اداره موقوفات متعلقه به حوزه بلدی که برای آسایش عمومی تخصیص یافته است

۱۷ - تهیه میدان های عمومی برای خرید و فروش اوراق .

رئیس - آقای کازرون

کازرون - بنده در این ماده شاید بعکس انتظار آقایان مخالفت مهمی ندارم . فقط خواستم بعنوان سؤال عرض کنم این جا هفده فقره است و ظایفی که برای انجمن بلدی معین میشود ولی این هفده فقره پنج فقره اش را نوشته پس از اعضاء حاکم بتصویب وزارت داخله و شش فقره دیگرش را نوشته پس از اعضاء حاکم و فقرات دیگر را مسکوت عنه میگذاورد آیا مقصودش این است که بدون اینکه حاکم امضا کند و وزارت داخله تصویب بفرماید آن فقرات بموقع اجرا گذارده شود ؟ البته مقصود اینست ولی ممکن است اسباب اختلاف و اشتباه شود و گمان میکنم ذکرش بی ضرر باشد مطلب دیگر این است که در فقره ۱۶ میگوید مراقبت در حسن اداره موقوفات متعلقه بحوزه بلدی الی آخر در صورتیکه این مسئله از وظایف اداره اوقاف و وزارت معارف و اوقاف است . شما اگر بنامد يك وظیفه را بدو مؤسسه بدهید اگر نظریات آنها با هم يك تصادم و تعارضی پیدا بکنند تکلیف چیست بنده گمان میکنم که مراقبت در حسن اداره موقوفات و رسیدگی در امور آن از وظایف اداره موقوفات است حالا بلدی چه کند مراقبت کند در حسن اداره موقوفات ؟ اداره اوقاف هم البته باید مراقبت کند در حسن اداره موقوفات . این ضرر ندارد . هر دو بکنند چنانکه آقای مدرس هم فرمودند لکن پاره اوقات میشود که بین نظریات آنها يك اختلافی پیدا شود . این اختلاف را چه باید کرد مثلاً در کیفیت مراقبت و مواظبت اختلاف واقع شد چه باید کرد بنده عقیده ام این است که مراقبت اداره بلدی با بودن اداره موقوفات لزومی ندارد

مخبر - در قسمت اول اگر ماده ۲۸ را ملاحظه

فرموده باشند تکلیف این قسمتها را معین میکنند که کدام قسمت ها را باید حاکم امضا کند و کدام باید بامضای حاکم و وزارت داخله برسد و پس از تصویب وزارت داخله موقع اجرا بیاید. تمام این تکالیف را در ماده ۲۸ معین کرده است. اما در قسمت دوم بعضی موقوفات در شهرها هست که بالاخره اداره اوقاف هم رسیدگی نمی کند مثلاً قنوانی هست که وقف بر شهر است باید بلدییه دخالت کند برای آسایش مردم. بعضی آب انبارهایی است که دکاکین موقوفه هم دارد و بلدییه از نقطه نظر اینکه وقف است دخالت نمیکند اوقاف هم دخالت نمی کند مردم هم از آن استفاده نمیبرند. از این جهت اینطور نوشته شد که بلدییه در این قسم موقوفات که در شهر است و ممکنست مورد استفاده عموم اهالی بشود مراقبت کند که مسلوب المنفعه نماند

رئیس -- آقای فهیمی

فهیمی -- بنده چند قسمت از این ماده را بکفایتی مهم میدانم یکی در قسمت اول که مینویسد تعیین نوع و میزان عوارض و عایدات بلدی. این قسمت کافی نیست اولاً تعیین تنها کفایت نمیکند باید تعیین یا تغییر یا لغاء عوارض نوشته شود و ثانیاً اینکه انجمن باید لایحه آراء تهیه کند و تصویب آن با مجلس شورای ملی است قسمت دیگر. تصویب بودجه و اعتبارات است اینهم توضیح لازم دارد که معلوم شود بودجه و اعتبارات بلدی و شهری است و بطور مطلق مقصود کلیه اعتبارات و بودجه هائست. در فقره هفت و هشت مینویسد: تصویب خرید و فروش اموال غیر منقوله و منقوله راجع باموال منقوله و غیر منقوله تنها خرید و فروش نیست اجاره هم هست ممکنست بلدییه اجاره هم بدهد یا غیر منقولی باشد که اجازه نخواهد بدهد و بخواید معاملات دیگر بکنند پس باید نوشته شود که کلیه تصویب در خرید و فروش و اجاره و هرگونه معاملات که متعلق به حوزه بلدی باشد با انجمن است. یکی هم در قسمت پانزده تبدیل عوارض جنسی بنقدی است مقصود از این چیست؟ یعنی اگر در

جزو عوارض دید عوارض جنسی هست آنها را تبدیل به نقدی بکند بامساله تعبیر کند؟ اگر تعبیر سالیانه است باید بنویسند و در این زمینه بک پیشنهادی هم تقدیم کرده ام.

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- عرض کنم ملاحظاتی که ایشان کردند وارد نیست. تصویب بودجه و اعتبارات معلوم است که راجع به بلدییه است. بلدییه که تصویب بودجه مملکتی را نمی کند! بعضی مطالب بقدری بداهت دارد که اگر انسان نخواهد قید کند تقریباً زاید است تبدیل عوارض جنسی هم بعوارض نقدی غیر از تعبیر است. عوارض را باید تبدیل بکند. تعبیر بک باب علیحده است که باید جدا باشد.

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است.

آقای سعید یعقوب -- بنده مخالفم.

رئیس -- بفرمائید

آقای سعید یعقوب -- بنده عرض مجلس میرسانم این هفده تکلیف است که در هر يك از آنها بخواید وارد شوید میدانید که بعد از این چه عملیاتی میشود. یکی تعیین عوارض است که در روز آقای دشتی و آقای دادگر فریاد میزدند. با اینکه آمدیم و این همه بر واردات و صادرات و گمرک عوارض گذاریم دیگر نمیتوانیم عوارض وضع کنیم. بعلمت اینکه حقیقه بارملت سنگین شده و دیگر نمیتوانند تحمل بکنند بکطرف آن عوارض را بدهند! بکطرف هم عوارض شهری بدهند خواستم توجه نمایندگان را باین موضوع جلب کنم. یکی دیگر هم راجع بموقوفات است. بنده تا بک اندازه از آن را موافق هستم و بعضی از آنها مخالفم موقوفات رد و قسمت موقوفات خاص و موقوفاتی که عنوان امور حسبیه دارد که هیئت مؤمنین باید جمع شوند و آنرا نظارت کنند. بهر صورت اینها مواد زیادی است که اگر مجلس موافقت کند باید در يك يك از اینها علیحده مذاکره بشود چون اساس قانون بلدییه همین ماده است و بنده عقیده ندارم

این زودی مذاکرات کافی باشد.

رئیس -- آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(عده برخاستند)

رئیس -- تصویب نشد.

عمادی -- فقره فقره صحبت بشود.

رئیس -- بسیار خوب. فقره به فقره. در قسمت اول مخالفی هست؟

آقای سعید یعقوب -- بنده مخالفم.

رئیس -- بفرمائید

آقای سعید یعقوب -- در اینجا خاطر آقای دادگر و آقای دشتی و آقای شیروانی را بهمان فرمایشانی که در آن لایحه بنروز فرمودند توجه میدهم. ما آمدیم عنوان کردیم که عواید عمومی را نمیتوان صرف مخارج خصوصی کرد. بعد در جواب ماها اینطور اظهار شد که این عواید عوایدی است که از کل شهرها گرفته میشود. یعنی آمده ایم در گمرک بعنوان واردات و صادرات يك مالیه درست کردیم که در دوره پنجم گذشت. بعد احتیاجات شهری را در نظر گرفتیم پس در حقیقت مادر شهرها کاملاً نحمیلات کرده ایم در آن مالیات واردات و صادرات. چنانکه الان بک شخصی است در وزارت مالیه که حقیقه برای بلدییه ولایات زحمت میکشد که حشمتی است و صورت عایداتی که باید داده شود بشهرها می کم کم از میز وزارت مالیه بیرون میآورد که سال بسال به بلدییه ها نداده اند و تازه معلوم میشود که حقوق بلدییه های ایالات و ولایات خیلی بیشتر از اینها است. غالب روزها نماینده های محترم مستحضر هستند که دعوتشان میکنند میروند آنجا وارد میشوند و میبینند. ما آمدیم آن مالیات بآن عظمت را در نظر گرفتیم و ملاحظه نکردیم که يك منقصت اقتصادی بر ما وارد میشود باین نظر که گفتیم از این راه يك پولی بدست میآید برای

آباد کردن شهرها پس کاملاً عوارضی که شما تصور می فرمائید بلدییه باید معین کند به قدر کافی در آن جا ملاحظه کرده ایم. در این جا می آید می نویسد تعیین نوع و میزان عوارض و عایدات بلدییه مسلماً هر کدام از این اعضاء انجمن بلدی که میآیند می نشینند فوری بد توی آستین می اندازند. دوسه تا از این روزها بجای هم مینویسند ای جنم بعضی انجمن بلدی بکوقت می بینید (خوب شهر شهر باریس میشود) بنام ارزاق بک مالیاتهایی می شدند اختیار مطلق هم بدست خودشان است و نگفته ایم قلاً بیورند به مجلس آنوقت این اختیار مطلق را بدهیم در صورتیکه در دو سال قبل هم بک مالیات بن سنگینی قرار داده ایم. بنده عقیده ام این است که این جزء مال تعیین نوع عوارض بلدی بکلی از این برود این مالیات که ما قرار دادیم در مراح برای همین بود دیگر چقدر مقتضای بدست وزراء بدهیم بگوئیم گوشت این مردم را بکن؟ هر قدمی که ما برمیداریم کند و زنجیر بدست مردم بکنیم! بنده عقیده ام این است که تعیین عوارض بن يك کلامی است مطلق و بک اجازه مطلق است برای این که آنها بیایند بنشینند معین کنند سالی چه قدر و چه اندازه و بجه ترتیب از آنها بگیرند. اقلاً اینهم تنظیم لایحه بکنند که در هر شهری چقدر عوارض بلدی تعلق می گیرد بعد بدهند بمجلس شورای ملی که مجلس بداند چه میخواهند بکنند. والا نسبت به این مسئله تصدیق کنید که خیلی جحف و تند روی خواهد شد بنده نمی خواهم در اینجا هو زخم با عوام فریبی کنم. بنده اگر لباس حضرت حجت را هم بپوشم از طهران انتخاب نخویم شد. اما من میدانم که مردم گرفتار چه بدبختی هستند بوز در مرکز بد اعتبار اینکد مرا گری هست مردم می تواند شکایت بکنند ولی در ایالات و ولایات مردم گرفتارند الان بنده کاغذ هائی که از بندر لنگه آمده است نشان میدهم. در آنجا حاکم چه کرده که از بکطرف انجمن بلدی از بکطرف هر کسی را که ما بک تکه کاغذ دستش دادیم خط خون

رعیت را بدستش داده‌ام. اینهارا ملاحظه کنید، وضعیات مردم بد بخت را در نظر بگیرید آنوقت قانون بنویسید قانون خوب نوشته میشود اما در مقام اجرا بالای ناگهانی است برای این مردم. این است که باز هم خود آقای دادگر را توجه میدهم که مدافع این لایحه هستند این مسئله را در نظر بگیرید و ملاحظه حال مردم را بکنند در این مسئله اختیار آنها خیلی تند شده است. باید آنها معین بکنند و بعد تصویبش مختص مجلس باشد.

مخبر - این ماده ۲۷ بطوری که ملاحظه فرموده‌اید وظایف انجمن بلدی را معین میکند. یکی از وظایف انجمن بلدی تعیین عوارض و عایدات بلدی است اینجا مکلف و مقید نیست که هر چه او تعیین کرد فوراً اجرا شود منتها چیزی که هست در ماده ۲۸ معین شده است که این جزء اول که تعیین عوارض بلدی است پس از تصویب وزارت داخله باید اجرا شود ولی آن ماده چهار را که آقای مدرس پیشنهاد کردند و بکمیسیون برگشت این دو ماده مربوط بهم است. هر تصمیمی که در آن قسمت گرفته شد در این جزء از ماده هم معین خواهد شد با وزارت داخله یا کمیسیون داخله. مقصود این است. این دوسه ماده مربوط بهم است ماده چهار و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ که تعیین عوارض میکند. اگر در ماده چهار مقید شد باینکه در موقعی که تعیین عوارض میخواهد بکند باید بتصویب مجلس باشد البته مجلس تصویب میکند و اجرا میشود. اگر وزارت داخله باید بکند بموجب آن ماده ۲۸ وزارت داخله این اختیار را دارد. غرض این است که تعیین عوارض جزء وظایف انجمن بلدی است غیر از او هم کسی صلاحیت این کار را ندارد.

رئیس - در قسمت اول مذاکرات کافی است؟

عمادی - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.

رئیس - بسیار خوب. در قسمت اول مخالفید؟

عمادی - بله

رئیس - آقای شیروان

شیروان - بنده موافقم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - در اینجا توضیحی را که آقای مخبر دادند وافی نبود. اینجا تصریح کرده تعیین عوارض بلدی بنده هیچ انجمن بلدی را صلاحیت دار برای اینکار نمیدانم که برای یک شهری مالیات وضع کند بعد هم تصویب حاکم یا وزارت داخله برسد. هر مالیاتی که برای هر بلدی تعیین میشود اعم از کلی و جزئی بنظر بنده باید انجمن پیشنهاد کند و مجلس شورای ملی تصویب کند وضع مالیات از مختصات مجلس است. بعلاوه این توضیحی که دادند مربوط بماده بدست و هشت بود آمدیم بکلی ماده ۲۸ حذف شد آن وقت تکلیف این ماده چه میشود این بقوت خودش باقی خواهد بود و انجمن اختیار خواهد داشت که هر مالیاتی وضع کند و مردم تحمیل کنند! این است که بنده مخالفم و صلاح نمیدانم این اختیار بانجمن داده شود

رئیس - آقای شیروان

شیروان - عرض کنم این قانون بلدیها عبارتست از این جمله که اگر این جمله از این قانون حذف شود بقیه اش تعارف است. در اینجا آقای آقا سید یعقوب اشاره بعراض پرروز بنده کردند و صحیح هم بود. ما گفتیم که یک قسمت از مخارج شهرها را عجالتاً در سرحد از مردم بگیرند ولی بالاخره خودشان هم تصدیق میفرمایند که با این بودجه ضعیف نمیتوان شهرها را تمیز و مطابق اصول حفظ الصحة نگاه داشت. بودجه مملکتی ما با داشتن سایر مخارج اجازه نمیدهد که یک قسمتش صرف بلدیها بشود. در هر صورت هر شهری نسبت به احتیاجات خودش محتاج باین است که یک مخارجی بکند ما گفتیم مخارجی را که مردم در شهرها برای خودشان میکنند نمیشود بدست بکنفر مامور غیر مسئول داد و باید

در نخت نظر خود اهالی که عبارت از نمایندگان آنها در انجمن بلدی است. تصرف برسد. یعنی هر شهری حوائج خودش را بسنجد به بیند برای دانه کردن، پاک کردن و صحیح المزاج کردن اهل یک بلدی چقدر خرج لازم است آنوقت نماینده های هر بلدی بنشینند و بهمان اندازه یک عوارضی را در نظر بگیرند و از مردم وصول کنند و خرج خودشان نمایند. در اینجا همانطوری که گفته شد ما الان اجازه نمیدهم که حتماً بعد از تصویب این قانون انجمنهای بلدی بروند و یک مالیاتهایی وضع کنند این اجازه را نمیدهم. اینجا وظایفی که برای انجمن معین میکنیم یکی از آنها این است که تشخیص بدهند که نسبت بمصالح هر شهری همانطوری که یکی از پیشنهاد های آقای مدرس بود چطور عوارض را میشود پیش بینی کرد و وضع نمود در اینجا اختلاف نظری هست بعضی از آقایان معتقدند که این انجمنها را نباید حق داد که مالیات وضع کنند بلکه باید آنها در نظر بگیرند و بفرستند به مجلس تا این جا تصویب شود. ما معتقد هستیم که همین اجازه فعلی مجلس در حقیقت تصویب ضمنی است برای اینکه بلدیها حق داشته باشند عوارضی درست کنند عمادی - نمیشود

شیروان - حالا میخواهیم به بلنیم در عمل این نمی شود آقای عمادی چطور میشود. بنده یکی از عادلانه ترین مالیات هارا که تا امروز در دنیا اختراع شده است مالیات بر عایدات میدانم یعنی هر کس نسبت به نمکن و عایدات خودش مالیات بدهد. این عادلانه ترین مالیات است و در اول دوره پنجم به مجلس پیشنهاد شد و تا حالا هم نگذشته و قول میدهم که تا آخر دوره هفتم هم نگذرد. ما این جا هستیم ما نمیتوانیم عوارض بلدی رفسنجان را بگذرانیم. اصلاً موضوع ندارد. رفسنجان اگر احتیاجات دارد فقط انجمن بلدی و نماینده های خودش میدانند. ما چه میدانیم که رفسنجان چه

احتیاجات دارد و بالاخره چه نوع مالیاتی را میتواند تحمل نکند که این جا بنده بنشینم و پیشنهاد بدهم. عوارض بلدی باید متناسب با وضعیات بلد باشد. یعنی رفسنجان بگونه مالیات میتواند بدهد بندر بهلوی بگونه مالیات ساری آقا هم بگونه. بنده میدانم در ساری چه نوع عوارض بلدی میشود وضع کرد این است که این حق را همانطور که اینجا ذکر شده باید داد بانجمن بلدی منتهی حدودی برایش قائل شد بنده هم موافق هستم که بگوئیم در چه حدودی میتوانند مالیات وضع کنند و این قسم چیزها یک چیزهایی است که اگر مجلس بخواهد تصویب کند غیر عملی است و تا روز قیامت هم تصویب نمیشود

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - عرضی ندارم.

عمادی - اجازه میفرمائید؟

رئیس - جنابعالی اجازه نخواسته‌اید؟ آقای احتشام

زاده راجع بقسمت اول فرمایشی دارید؟

احتشام زاده - خیر بنده موافقم

رئیس - آقای زوار

زوار - عرضی ندارم

رئیس - آقای حق نویس

حق نویس - عرضی ندارم

رئیس - آقای بهبهانی

بهبهانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم قسمت عمده عراض بنده را

آقای شیروانی فرمودند ولی میخواستم عرض کنم...

بعضی از نمایندگان - ایشان موافقت

رئیس - موافقت؟

روحی - بله. نه بخشید.

جمعیت از نمایندگان - مذاکرات کافی است .
رئیس - مذاکرات در قسمت اول کافی است ؟
(اظهار شد بله)

رئیس - قسمت دوم مخالفی دارد ؟

جمعیت از نمایندگان - خیر

آقا سید یعقوب - پیشنهادی تقدیم کرده ام .

رئیس - بعد قرائت میشود . قسمت سوم

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - عرض کنم چون يك ماده قانون اساسی هست که کلیه استقراض های مملکت اعم از داخلی و خارجی باید با اطلاع مجلس شورای ملی باشد لهذا بنده میخواهم با آقایان اعضاء کمیسیون داخله عرض کنم که این جا این قسمت را قبول کنند که طرح لایحه استقراض از طرف انجمن بلدی بمجلس پیشنهاد شود تا اینکه آن ماده قانون اساسی که میگوید:

کلیه استقراض های داخله و خارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد رعایت شده باشد ولو اینکه بلدیة خودش مستقل است ولی اعتبارات هم باید بتصویب مجلس باشد . بنده در استقراض انجمن بلدی مخالف نیستم اما طرح استقراض باید بمجلس بیاید

رئیس - آقای دشتی

دشتی - یکی از طرفدار های جدی این لایحه آقای آقا سید یعقوب بودند بنده میخواهم از ایشان به رسم چرا معتقدند که قانون بلدی تصویب شود؟ فلسفه عمده اش این است که شما ها معتقدید که يك بلدیة های مستقلی که از خود شهر ها باشد انتخاب شود و آنها مداخله در کار شهر نکنند و اگر شما بخواید اینقدر حدود برای او قائل شوید و مثل مأمورین دولت باشد که هیچ اجازه نداشته باشد فایده ندارد . باید بلدیة را هم در قسمت عوارض و هم در قسمت استقراض و در تمام

جزئیات مستقل کرد . برای اینکه ملاحظه بفرمائید انجمن بلدی یعنی چه؟ شما تا اسم انجمن بلدی برده میشود فوری نظرتان بلدیة دستوری طهران میرسد که از طهران بولات میروند . انجمن بلدی یعنی افرادی که اهل شهر آن ها را انتخاب کرده اند که امور آن شهر را اداره کنند و بالاخره نماینده های انجمنهای بلدی بحسب قانون نماینده تمام آن شهر هستند و هر کاری بکنند از طرف اهالی آن شهر کرده اند . اهالی شیراز با بوشهر میخواهند که شهرشان قشنگ تر از بهلولی باشد ما باید مانع شویم این معنی ندارد . بلدیة هر شهری باید مستقل باشد بلدیة هر شهر بمنزله مؤسسه تجاری است . بلدیة يك شهری میخواهد از فلان يك استقراض کند و شهر خودش را قشنگ کند محل هم برای ادای آن قرض دارد ، حق نداریم اصلا مداخله در این قبیل کار ها بکنیم . معنایش چیست که بیاید بمجلس شورای ملی؟ ما حق نداریم مداخله در کار های شیراز بکنیم . ما حق داریم مداخله در کار های عمومی کنیم . بعد از آنکه شما معتقد شدید که بلدیة شیراز يك وکلانی دارد که خودش انتخاب کرده اند دیگر مداخله ما (یعنی بنده اهل بوشهر یا ساری) در امور بلدیة شیراز منوط ندارد . باید اهالی هر شهری خودش مسئول کار خودش باشند . وقتی که ما این استقلال را بلدیة های شهر ها دادیم دیگر آن ها از ما کلاه ندارند . بنده سفری که رفته بودم بوشهر يك چیز هایی راجع بشهر بوشهر نوشتم که خیلی کثیف است و بعد هم توی روزنامه های حبل المنین چند تا فحش به بنده دادند و لهجه فحششان هم این بود که نوشته بود تقصیر شما مرکزی ها است که اینطور کثیف است . راست هم میگویند وقتی بخودشان واگذار شد البته بهتر خواهد شد . وقتی به بوشهر گفتند بیاید بلدیة خودتان را اداره کنید و اگر دلتان می خواهد که شهرتان قشنگ تر و پاکیزه تر باشد عوارض وضع کنید و وقتی که رفتند شهر شیراز را دیدند که قشنگ تر است بالطبع يك مناقشه بین شهر ها درست

میشود که خودشان بالطبع شروع میکنند بساختن شهرها شما بلدیة را مستقل کنید و مسئولیتش را هم بگردن خودشان بیندازید .

جمعیت از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - مذاکرات کافی است ؟

(اظهار شد - بلی)

رئیس - قسمت چهارم مخالفی دارد ؟

(گفته شد خیر)

رئیس - قسمت پنجم و ششم و هفتم و هشتم هم اشکالی ندارد ؟

جمعیت از نمایندگان - خیر

رئیس - قسمت نهم و دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم

هم ایرادی ندارد ؟

(بعضی گفتند خیر)

بامداد - بنده در قسمت چهاردهم عرض دارم

رئیس - بفرمائید

بامداد - وظائف بلدیة را که بنده از اول تا آخر مطالعه کردم همه اش خوبست جز سه قسمتش که اینجا یاد داشت کرده ام یکی قسمت اول بود که بنده عرض کردم علاوه بر اینکه اشکالات زیادی دارد مخالف قانون اساسی هم هست . یکی هم قسمت چهاردهم است . بنده امید وارم که بلدیة های ما انقدر توانا و مقتدر شوند که تمام این وظائف را انجام بدهند ولی بعقیده بنده چیزی را که حالا خوب میتواند انجام بدهند دو چیز است که نه زحمت فنی دارد و نه موانع علمی . یکی تعیین میزان و نوع عوارض است که در ماده اول بود و گذشت می نشینند و میگویند از این مواد فلان قدر میگیریم . یکی هم این قسمت چهاردهم است که درس نظریات خودم را عرض میکنم . مینویسد تصویب تغییرات در نقشه شهر عرض کنم این خیلی آسان است می نشینند و میگویند که آنجا اتوموبیل میتواند خوب گردش کند پس باید وسیع کرد و اینکار

بالاخره موجب میشود که هیاهویی ایجاد شود و ناچار تاثیرات آن هم در مجلس منعکس میشود و چاره هم نیست زیرا مردم از نمایندگان خودشان توقع دارند و اگر ما بگوئیم که شهر های ما همینطور باشد که البته هیچکس این را نباید معتقد باشد و میشود گفت که وسائل نقلیه نباید و سرحد ها در بروی این قبیل وسائل نقلیه به بندیم چون خیابان نداریم این را نمیشود گفت . تمام دنیا هم شهرهاشان اول خوب نبوده بعد بتدریج درست کرده اند ولی بيك ترتیبی مثلاً شرکت های خصوصی تشکیل میدهند و می آیند میگویند این خیابان را به من واگذار کنید و من طوری درست میکنم که صدای کسی در نیاید . اصل معاملات بلدیة همین است این خیابان وقتی که باز و وسیع شد و مغازه های جدید خوب مطابق مقتضیات امروز در آنجا احداث کردند البته قیمت دکان هم بالا میرود ولی مشروط بر اینکه مردم اهستی ساقط نشوند و رضایت صاحب مار و ملک هم بعمل آید . این را نباید به اطلاق گذاشت و باید به قیمت عادلانه آنچه که قیمت دارد باو بدهند بعد خراب کنند و دیگر اینکه قبلاً باو اطلاع بدهند و بگویند مثلاً شش ماه یا یکسال دیگر ما این جا را میخواهیم خراب و وسیع کنیم تو این جا فکر خودت را بکن . اگر مستأجر است جای دیگر را در نظر بگیرد و اگر صاحب ملک است و ملک او در معرض خطر است از این پولی که میگیرد جبران میکند و در جای دیگر دکان میسازد . تنها مسئله مالک و خسارات او نباید مورد نظر باشد ممکن است مستأجر بیشتر خسارت بکشد . این مستغلی که مثلا در فلان خیابان واقع شده و حالا میخواهند خراب کنند يك مستأجر در آنجا نشسته که سال ها در آن کسب کرده ، تجارت کرده ، خودش را معروف کرده ، آدرس پیدا کرده اگر بگمزنه آنجا را خراب کنند این آدم معاملاتش چه میشود؟ کسانیکه بده کارند نمیدهند و کسانیکه میخواهند باو رجوع کنند

دیگر نمیدانند به کجا رجوع کنند بنا بر این بنده با اطلاق این ماده کاملاً مخالفم و یک پیشنهادی هم کرده ام که بآن شخص اطلاع بدهند که میخواهند شهر را توسعه بدهند و باو بگویند که شش ماه یا سه ماه دیگر میخواهیم این جا را خراب کنیم که او قبلاً فکری برای خودش بکند.

رئیس -- آقای داد گر

دادگر -- عرض کنم مشکلی برای ما پیدا شده است که اگر اصولاً ما آن را رفع کنیم مفردانش برای ما آسان است و آن این است که قانون وضع میشود و مباشرتاً رفتار میکند. این دو باب است. قانون نقص ندارد مباشرتاً رفتار میکند. بنده عرض میکنم اصلاح نقشه شهری و توسعه خیابان و آنچه نفع عامه اقتضا میکند این را اگر ما به بلدیها واگذار کردیم با تعیین قیمت عادلانه و جلب رضایت مالکین این که گناهی نیست. و عیبی ندارد. البته مردم هم قبول میکنند باید شهر را توسعه داد. همه این کارها را کرد. اگر بلدیها این کارها را نکرد یا بنده آدم این کار را نکردم یا انجمن بلدیها این کار را نکرد بقانون نقص و ضرری نمیرساند. غالباً راجع بمالیه این جا انتقاد میشود از فلان قانون برای اینکه فلان امین مالیه این طور گفته خوب امین مالیه را عوض کنید. قانون عیبی ندارد بالاخره باید با زمان نزدیک شد. انوبوس قهراً آمده و هیچکس دستور نداده است این یک سیر طبیعی بود و آمد تحالا این آدم زیر میگیرد و مردم را در مضیقه و اشکال میاندازد اینها یک مسائلی است از همدیگر مفروز و جدا و نباید اینها را بهم مخلوط کرد. بعلاوه بنده یک نکته را عرض کنم فراموش نکنید حکم انجمن بلدی نسبت باشخاص از حکم قاضی که نافذ تر نیست زیرا او منتخب از طرف کسی است که خود او طرف محاکمه است انجمن بلدی و وکلای آن مبعوث از اهل شهر هستند و امنای شهرند اینها را در حقیقت خود شهرها باید رعایت کنند.

چرا ما هفت هشت نفری را انتخاب میکنیم که بالای جان ما بشوند؟ این مربوط بسوء تشخیص ما است. اشخاص خوب را انتخاب کنیم که بیایند کار خوب کنند. انجمن بلدی اشخاصی هستند که بشهر علاقه دارند و نام نیک می خواهند و بنظر بنده هیچ زبانی ندارد که انجمن بلدی که از طرف خود شهر مبعوث است این کارها را بکند. این مثل این میماند که اهل بیت من به من اجازه بدهند که امور خانه ام را تنظیم بکنم حالا اگر بنده مدیر نبودم و سوء تدبیری کردم این مربوط به من است و بنظر بنده باید انجمن بلدی را مستقل گذاشت و اصرار هم می کنم که حسن انتخاب بشود و در انتخاباتش هم دقت داریم و امیدوار هستیم که آنها هم برای شهرشان خدمت کنند و اگر بالاخره این قدر سوء ظن وسعت پیدا کند که تمام اینها مصالح شهری را بیک ماشاء الله روزنامه از دست بدهند که نمیشود و روزنامه هم ماشاء الله را بی خود نمیگوید و بر خلاف افکار عمومی حرف نمیزند و روزنامه هم این است که افکار عمومی را بگیرد و در اطراف او حرف بزند که جالب توجه شود. انجمن بلدی کارهایش همین ها است و اگر قدرت نداشته باشد و داخل اصلاحات نشود و قرض هم نتواند بکند و بودجه اش هم را نتواند درست کند عیبی ندارد اینهم یک طرز زندگانی است. و الا اگر اهل بیستی آمدند در خانه خودشان اقداماتی بکنند بگذارید اختیاراتشان توسعه داشته باشد.

رئیس -- قسمت بازدم و شازدم و هفدم مخالفی دارد؟

آقا سید یعقوب -- بنده در بازدم عرض دارم

رئیس -- بفرمائید

آقا سید یعقوب -- بنده خواستم اولاً آقای شیروانی تذکر بدهم که فرمودند فلان کس موافق بود و حالا مخالف است مگر موافق بودن معنایش این است که کور کورانه هر چه

خوانده بشود بگویم موافقم؟ خیر وقتی که چیزی را شخص ملتفت نشد و برای رفع سوء ظن اظهاری کرد نباید دلیل مخالفت گرفت و این هم که فرمودند مثلاً انجمن سیرجان یا فلان شهر میدانند که عوارض آنجا چه چیز است. من شما را متذکر میکنم بامر واقع. امر واقع این است که ما الان نمی خواهیم برای بلدیها عوارضی قرار بدهیم یعنی اینطور نیست که تا بحال هیچ عوارضی برای بلدیها قرار نداده بشیم و حالا میخواهیم قرار بدهیم بنا بر این باید حدودی فائل شد. خیر این طور نیست. در دوره پنجم بعنوان عوارض یک همچو بار سنگینی را بر ملت تحمیل کردیم. پس روز اول نیست که میخواهیم عوارض قرار بدهیم. ما در مقابل یک امر واقع شده ایم. مالیاتی که در سرحدات روی امتعه مان کشیده ایم همان عوارضی است که می خواهیم تازه قرار دهیم اینقدر عصبان نباش آقای دشتی! داریم صحبت میکنیم. در این ماده یا زده نوشته است تبدیل عوارض جنسی به نقدی. بنده منکریم که بتوانند عوارضی درست کنند که حالا جنس را تبدیل به نقد بکنند. برادریش را ثابت نکرده ادعای ارث میکند. در کدام یک از مواد سابق گذشته که این بلدیها بتواند تعیین عوارض جنسی بکند که بعد آن را تبدیل به نقد بکنند؟ پس اول در یک ماده معین کنید که بلدیها حق تعیین عوارض دارد بعد در یک ماده دیگر بگوئید که جنس را می تواند تبدیل به نقد کند و گمان میکنم این از اصول علمی و قانون دانی است از این جهت بنده مخالفم مگر اینکه این جا توضیح بدهند که در فلان ماده (که در اینجا نوشته نشده و در ذهن اعضاء کمیسیون بوده است) میتواند این عوارض جنسی را قرار بدهد و بعد تبدیل بنقدی بکند ولی در سابق اشاره ندارد

رئیس -- آقای دشتی

دشتی -- عرض کنم آقای آقا سید یعقوب کلیاتشان خوبست ولی در جزئیات اشتباه می کنند. میگویند

که ما به درجه کافی عوارض وضع کرده ایم. بنده تصدیق می کنم ولی مگر قانون را برای امروز مینویسند؟ شما اجتهاد مقابل نص میکنید. اهالی یک شهری بتوسط وکلای خودشان میخواهند عوارض وضع بکنند. شما میگوئید نکنند؟ شما حق ندارید وارد در این موضوع شوید. بنده می خواهم برای خانه خودم بیشتر خرج کنم. شما میگوئید حق ندارید این منطق عجیب در دنیا نظیر ندارد میگویند اهالی شهری مجازند برای خودشان عوارضی وضع بکنند. فرض بفرمائید اهالی بندر عباس یک عایدی معینی دارند. مثلاً از کل سرخ میخواهند دو هزار تومان از حاج معین بگیرند. شما میگوئید حق ندارید بگیرید؟! اهالی بوشهر دلشان میخواهد از بارهائی که وارد آنجا میشود یک عوارضی برای شهرشان بگیرند. شما میگوئید وضع نکنند؟ اگر اهالی چالمیدان بخواهند جمع شوند و قرار بگذارند ماهی دو تومان بانجمنشان بدهند شما مخالفت میکنید؟ و اینکه اعتراض فرمودند که تبدیل عوارض جنسی به نقدی یعنی چه. عرض میکنم که چون در قسمت اول ماده تعیین نوع و میزان عوارض بلدی است از این جهت در قسمت بازدم هم با آنها اجازه میدهند که اگر بخواهند آن عوارضی که وضع کرده اند تبدیل به نقدی بکنند مجاز باشند.

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس -- قسمت شازدم مطرح است. آقای بهبهانی

بهبهانی -- در این قسمت شازده اگر توضیحات و مذاکراتی نمیشد تصور میشد که از بهترین قسمتها است ولی این جا یک فرمایشاتی آقای کازرونی فرمودند و توضیحی هم آقای مخبر دادند که بنده مجبور شدم در این باب عریضی بکنم. اولاً آقای کازرونی فرمودند باید تفکیک کرد بین وزارت معارف و اداره بلدی بنده نفهمیدم از روی چه مأخذی این را فرمودند و بنده ضریب دانستم که تفکیک خواستند در صورتیکه عملیات

وزارت معارف نظارت است و عملیات بلدییه مراقبت . مراقبت با نظارت خیلی فرق دارد و نانیاً مراقبت چنانچه آقای مخبر توضیح دادند غیر از دخالت است . مراقبت در امور بیک چیزی است که همه مسلمانها میتوانند مراقبت در امور اوقافی بکنند مثل اینکه آب انبار فلان که تمام اهالی محل از آن مشروب میشوند باید پاک باشد ، لجن نداشته باشد با آب آن محله یا قنات آن محله باید پاک باشد و آب بترتیب برسد به موقوف علیهم . این وظیفه بیک بلدییه است مراقبت بکنند . یعنی همیشه از آن مباشر یا متولی آن صحت اجراء این امر را میخواهد . این بیک امری نیست که شرکت با وزارت معارف داشته باشد . با دخالت داشته باشد . این بیک امری است که مسلمانها میتوانند دخالت بکنند . مثلاً اگر آن مباشر یا آن متولی این کار را نکرد میتواند به رویه قانون و ترتیبات شرعی او را مجبور کنند که این کارهای شرعی را انجام دهد . پس اگر معنی مراقبت به این ترتیبی است که ما فهمیده ایم این ماده بهترین مواد است و اگر این ملازم با بیک دخالتهای مستقیمی است در این امر بنده مخالف با این ماده هستم و گمان میکنم اغلب آقایان هم مخالف باشند

رئیس - آقای بامداد . . . بگذردی تأمل بفرمائید آقای مخبر توضیح بدهند

مخبر - بنده تصور میکنم که منظور کمسیون هم همان است که آقای بهبهانی فرمودند

رئیس - آقای بامداد

بامداد - آقای بهبهانی موافقت فرمودند با ماده برای اینکه دقت لغوی کردند که مراقبت غیر از نظارت است و میتواند بشکل عمومی در نظایف و غیر نظایف اوقاف رسیدگی کنند . ولی این دقت های لغوی در دست اجرا که میاید این معنی را ننیدهد . آنها این دقت ها را نمیکنند . شما بیک قانونی وضع کرده اید و تکلیف اوقاف را معین کردید و مکلف کردید وزارت و ادارات اوقاف را باینکه در چه قسمتها دخالت

بکنند و در چه قسمتها نکنند و بقیه آن چیزهایی را که در قانون مصرح نشده بر گذار کرده اید بنظامنامه و آنها هم بیک رشته را نا انجامی بکنند توانستند انجام دادند . عرض کنم شما اینجا حق میدید بلدییه که در اوقاف مراقبت کند . این مراقبت با دخالت در اجرا هیچ تفاوتی ندارد . چنانکه گاهی ادارات اوقاف هم تند میروند و هم مراقبت میکنند و هم مداخله و این دو تا هم اصطکاک پیدا میکنند . بنده خودم در عمل دیده ام . مثلاً همین ادارات بلدییه هم در ولایات و هم در مرکز می فرستند متولی را می آورند باو میگویند این تکالیف تو است . او میگوید من با اوقاف این معاملات را کرده ام آنوقت بعد از شاه ارسال و مراسلات هر کدام زورشان چربید آن قنات و آب انبار و میدان و حومه وقف را میبرد و آن کسی که زورش رسید حق قانونی خودش را محفوظ میکند میگوید افسوس در مملکت قانون اجرا نمیشود . در دوسیه های اوقافی و بلدی وقتی شما نگاه کنید راست از این اصطکاکات بنا بر این ماده ابدأ لزوم ندارد و آن مراقبتی را که آقای بهبهانی می فرمایند بیک امر حسبی است و همه می توانند مراقبت کنند و البته بلدییه بطریق اولی میتواند بفلان متولی وقف اخطار کند که این مجرا کشیف است و اسباب زحمت شده بفرستید درست کنید ولی چون در موقع عمل و مراقبت کار اداره اوقاف و بلدییه اصطکاک پیدا میکند از این جهت بنده مخالفم .

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - جای تردید نیست موقوفاتی که محل مداخله وزارت معارف و اداره اوقاف است موقوفاتی است که منافع و مصارف عمومی دارد البته موقوفاتی که مصارف خاصی دارد مورد بحث نیست در باب موقوفات شهر که برای آسایش عمومی است اینهم محل تردید نیست که موقوف علیهم یعنی اهالی شهر و نمایندگان آنها از هر کس اولی تر هستند که در آنها نظارت داشته باشند و تصور نمیکم هیچ اصطکاکي هم بین وزارت اوقاف و بلدییه ایجاد بشود

و فرضاً هم که ایجاد بشود ما این حق را از اداره اوقاف میگیریم و به بلدییه میدهم برای اینکه اهالی بلد که موقوف علیهم هستند از هر کس اولی و انسب هستند و بعقیده بنده بهترین مورد از دخالت بلدییه همین مورد است برای اینکه ما به تجربه در خود طهران دیده ایم چند فقره قنات شهری است که موقوفه است - یکی از آنها که قنات سنگلج است است نظر باینکه نظار خوبی داشته است توانسته است خودش را اداره کند ولی سایر قنات موقوفه دیگر چون بلدییه در آنها دخالتی نداشته خوب اداره نشده در صورتیکه اگر بلدییه میتواند مداخله کند قطعاً وضعیت آن قنات بهتر میشد و اهالی از این آسایش محروم میشدند باین جهت بنده معتقدم که باید بانجمن بلدییه حق داد که در مسائل موقوفات شهری که برای آسایش عموم است و مربوط بخودشان است دخالت کنند تا به مصرف حقیقی خودش برسد

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - متأسفانه بنده در اینجا مخالف هستم و عقیده ام برخلاف آقای بهبهانی و آقای بامداد است . بنده عرض میکنم موقوفات شهری که عام المنفعه است باید در دست بلدییه باشد نه در دست اوقاف داریم برای خاطر اینکه موقوفات عمومی که در شهر معین شده است مثل قنات حاج علیرضا و مصرف خاصی هم دارد باید در دست انجمن بلدی باشد . در این موضوع عنوان هم در شرع دارد که میگوید این جور موقوفات باید در دست عدول مؤمنین باشد که از امور حسبییه است و اجماع مؤمنین باید مداخله کنند اداره اوقاف غیر از خراب کردن کار دیگری ندارد بنده که ندیده ام غیر از خراب نمودن کار دیگری بکنند . این موضوعات عام المنفعه شهری باید بدست انجمن بلدی اداره شود زیرا بلدییه بهتر اداره خواهد کرد قنات اگر در دست بلدییه باشد خیلی خوب مردم آب میدهد و بنده با مراقبت کردن بلدییه مخالفم زیرا مراقبت یعنی فقط باید نگاه کند و این معنی ندارد

باید بعنوان عدول المؤمنین در دست او باشد کازرون - امیر المؤمنین

آقاسید یعقوب - همه کافرند تو یکی مسلمان هستی .

رئیس - چون بیست و دوسه فقره پیشنهاد رسیده است و آقای مخبر باید آنها را مطالعه کنند خوبست چند دقیقه تنفس داده شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از چند دقیقه مجدداً تشکیل شد)

وزیر مالیه - لایحه استخدام متخصیصین خارجه برای مالیه تقدیم میشود

رئیس - بکدام کمیسیون باید فرستاده شود ؟

جمعی از نمایندگان - بکمیسیون بودجه و خارجه

رئیس - ارجاع میشود بکمیسیون بودجه و خارجه پیشنهادات راجعه قانون بلدییه قرائت میشود پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب (بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم عوض جزو اول نوشته شود پیشنهاد نوع عوارض بلدی به مجلس شورای ملی

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - در این جا در ماده ۲۷ نوشته شده است جنس نوع عوارض بلدی . بنده در جواب فرمایشات آقای دشتی که فرمودند ما قییم مردمی که میخواهند برای شهرشان خرج کنند بستیم بنده هم عرض میکنم قییم مردم نیستیم ولی کارهای ما در حدود قانون اساسی باید باشد و اختیاراتی که قانون اساسی بماداده نمیتوانیم بدیگری بدهیم بنده از عبارت قانون اساسی این طور میفهمم که حق عوارض و عوائد بمرتبه بلدییه که باشد با مجلس شورای ملی است حالا در هر جا که انجمن تشکیل شد ممکن است نوع عوارض که میخواهد وضع و برقرار کند معین کند و بعد به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید تا در مجلس تکلیف معین شود البته

مجلس شورای ملی که نمیخواهد ولایت و شهرها خراب باشد ما و اخلاف ما همین نظر را دارند که مملکت آباد شود منتهی از آنجائیکه اساساً وضع عوارض باید بمجلس شورای ملی باشد از این جهت بنده پیشنهاد کردم که بعد از تعیین نوع عوارض بلدی بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود زیرا ما نمیتوانیم اختیار اینکه قانون اساسی بما داده است بانجمن بلدی بدهیم

مخبر - عرض کنم اگر بطور کلی ما بخواهیم قائل بشویم که کلیه عوایدی که انجمن بلدی تعیین می کند تمامش بتصویب مجلس شورای ملی برسد این نمیشود و بلدیة قانونی هیچ وقت صورت خارجی پیدا نمی کند مطابق این قانون همچو مقرر است که بعد از دو ماه وزارت داخله باید این قانون را در تمام مملکت بموقع اجرا بگذارد بعد از آنکه انجمن بلدی و اداراتش تشکیل شد البته محتاج بیک عواید و پولی است که باید تدارک کند زیرا این عایدات فعلی کفایت نظیف و روشنائی هر محلی را نمیدهد از این جهت باید یک حقی برای او قائل شویم از آنطرف هم اگر بگوئیم که انجمن بلدی کاملاً آزاد و مختار است که هر عوایدی که میخواهد وضع کند آنها ممکن است تولید یک اشکال و دردسرهائی بکنند باین جهت کمیسیون اینطور در نظر گرفت که در یک حدودی انجمن میتواند خودش این کار را بکند و پس از تصویب وزارت داخله بموقع اجرا بگذارد بنده موافقم که با تصویب مجلس باشد ولی ضمناً بانجمن بلدی هم باید یک اختیاراتی داد که در یک حدودی خودش بتواند عوارض درست کند و اگر بطور مطلق بخواهیم او را منع کنیم نمیشود حالا این پیشنهادی که جنابعالی کرده اید یک پیشنهاد هم آقای تقی زاده کرده اند و یک پیشنهاد هم آقای مدرس فرموده اند که جمع بین هر دو نظریه است و اگر چنانچه بفرمائید آن پیشنهادها هم قرائت شود گمان میکنم تمام نظریات تأمین شود

رئیس - دو فقره پیشنهاد تقریباً بیک مضمون رسیده

است یکی از طرف آقای مدرس و یکی از طرف آقای تقی زاده قرائت میشود
(مضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم به آخر فقره اول اضافه شود: سوای آنچه که بموجب ماده ۲۹ مقرر شده بوسیله وزارت داخله بمجلس شورای ملی پیشنهاد شده و پس از تصویب بموقع اجرا گذارده شده

پیشنهاد میکنم در آخر قسمت اول از ماده ۲۷ اضافه شود بموجب آنچه در ماده بیست و نه این قانون مقرر شده تقی زاده

رئیس - آقای مدرس

مدرس - نظر همه آقایان این است که انجمنهای بلدی یک کاری نکنند که اسباب زحمت فراهم نمایند در این قانون در ماده ۲۹ دو فقره تصویب شده که شاید یک فقره اش که فقره دومش باشد بعقیده ما صحیح است و آن یک فقره فعلاً همین جا تصویب میشود ولی در بابی عایداتی که انجمن میخواهد درست بکند باید بوسیله وزارت داخله بمجلس شورای ملی بیاورد تا در اینجا تکلیفش معلوم شود در حقیقت یک فقره حالا تصویب میشود و باقی دیگر موکول این است که توسط وزارت داخله به مجلس بیاید که بعد از آنکه مجلس تصویب کرد آنوقت اجرا کنند پس در حقیقت تمام آنچه را که انجمن بلدی بلدی عایدی درست میکند بتصویب مجلس شورای ملی خواهد بود منتهی آن قسمتی را که در ماده بیست و نهم ذکر شد حالا تصویب میکنیم و آنچه را که بعد تعیین میکنند در آتی بتصویب مجلس خواهد رسید بنا بر این اگر باین ترتیب تصویب بشود کلیه بتصویب مجلس خواهد بود و گمان این است که این پیشنهاد تمام نظریات آقایان را تأمین کند

مخبر - برای اینکه نظریه آقایان نمایندگان تأمین شده باشد بنده این پیشنهاد آقای مدرس را قبول میکنم

یک نفر از نمایندگان - دو مرتبه این پیشنهاد را بخوانید

رئیس - در موقعی که رأی گرفته میشود مجدداً قرائت

خواهد شد. آقای تقی زاده

بیست و نه رسیدیم تکلیف این ماده معلوم خواهد شد و دیگر لازم نیست که در اینجا حالا ما مباحثات بکنیم مخبر - بطوریکه بنظر آقا رسیده ماده بیست و نه فقط در قسم عوائد و عوارض قائل شده که چنانچه بمجلس تصویب کند بلدی در یافت نماید ولی پیشنهاد آقای مدرس که بنده قبول کردم این بود که علاوه بر آنچه که در ماده بیست و نه مقید است اگر بزم انجمن بلدی تشخیص داد که آن عوائد برای رفع احتیاجات بلدی و مؤسسه شهری کافی نیست بتواند عوارضی برای خودش تهیه کند و بوسیله وزارت داخله لایحه اش را تقدیم مجلس شورای ملی نماید که پس از تصویب مجلس بموقع اجرا گذارده شود. نظر از این ماده بیست و نه که در پیشنهاد آقای مدرس اشاره شده این بود که آنچه که امروز بر طبق ماده ۲۹ معین میشود هیچ ولی برای آنیه اگر بخواهد عوارضی بر قرار کند باید لایحه اش را بمجلس شورای ملی بفرستد تا مجلس تکلیفش را معلوم کند

رئیس - رأی گرفته میشود بقبایل توجه بودن

این پیشنهاد

محمد ولی میرزا - خوب است یک دفعه دیگر قرائت شود (پیشنهاد آقای تقی زاده مجدداً بشرح سابق خوانده شد)

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای تقی زاده

آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(جمع قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای فهیمی

(مضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده بیست و هفت فقره اول به

این ترتیب اصلاح شود:

۱ - تهیه لایحه بر قرار و الغاء یا تغییر عوارض

بلدی و تصویب نظامنامه آن متعلقه شهر و حوزه

بلدی

تقی زاده - در باب قسمت اول ماده ۲۹ که حالا مذاکره شد بعقیده بنده فعلاً مذکره لازم نبود برای اینکه در ماده چهارم هم وقتی که در تعیین عوارض از طرف بلدی اختلافات در بین بود گذاشتیم کنار برای اینکه وقتیکه به ماده ۲۹ برسیم آنوقت صحبت کنیم حالا هم بنده عقیده ام این است که نوشته شود (تعیین عوارض بموجب آنچه که در آن ماده مقرر شده) و این بهتر است چون در اینجا دو سه نکته است که اسباب اختلاف آقایان است بعضی ها میگویند انجمن بلدی حق تعیین هیچ نوع عوارض و مالیاتی را ندارد در این صورت بنده گمان میکنم گرفتار یک مشکلاتی خواهیم شد زیرا اگر بنا باشد بلدی هیچ گونه اختیاری نداشته باشد و برای هر مطلبی مجبور باشد لایحه به مجلس بفرستد مثلاً در موضوع بکس علف هم اگر بخواهند مالیات وضع کنند مجبور باشند لایحه اش را بمجلس بیاورند این نه تنها عملی نیست بلکه محال است از طرف دیگر هم اگر بنا باشد بلدی شهرها یک جا یعنی بطور مطلق اختیار داشته باشند که هر نوع مالیاتی را که میخواهند وضع کنند این هم اسباب زحمت عجیبی خواهد شد و یک هرج و مرجی تولید خواهد کرد و بعلاوه ممکن است مخالف قانون اساسی هم باشد لهذا ما عقیده داریم قسمت دوازده ماده ۲۹ خیلی خوب و مناسب است که بطور اعتبار مقداری اضافه بر مالیاتهای مستقیم مملکت بشود ولی اینجا جای قطع و فصل این مطلب نیست لهذا اینجا نوشته ام تعیین میزان عوارض بلدی بطوریکه در ماده ۲۹ معین میشود وقتی که ماده ۲۹ رسیدیم اگر اکثریت مجلس رأی شان اقتضا کرد که بانجمن بلدی همه نوع اجازه در وضع عوارض بدهند منافاتی ندارد و اگر هم گفتند خبر همان اضافه اعتبار داده شود و مالیاتی عوارض قلم بقلم بمجلس شورای ملی بیاید که باز هم منافاتی ندارد در هر صورت وقتی که ماده

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - در این قسمت نوشته شده است تعیین نوع و میزان عوارض بلدی. اولاً در اینجا فقط تعیین نوع و میزان کافی نیست زیرا ممکن است بلدیه یکی از عوارض را ملغی کند یا یکی از آنها را تغییر بدهد یا زیاد و کم کند. علاوه بر این انجمن بلدی بدون تصویب مجلس نمیتواند هیچ مالیاتی را برقرار کند در قانون اساسی مینویسد که هیچ عنوان از اهالی مملکتی چیزی مطالبه نمیشود مگر باسم مالیات مملکتی و ایالتی و ولایتی و بلدی. در ماده دیگر هم میگوید هیچ مالیاتی برقرار نمیشود مگر بحکم قانون. قانون تصویب مجلس شورای ملی. تصویب انجمن و هیئت وزراء یا جای دیگر قانون نیست. قانون را مجلس شورای ملی باید معین کند. ما هم وکیل در توکیل نیستیم که بخواهیم این اختیار خود را بطور ضمنی بدیگری منتقل کنیم زیرا این اجازه که ما میدهیم نوع و میزان عوارض را انجمن بلدیه معین کند اجازه ضمنی است که ما برای وضع مالیات باعضاء انجمن میدهیم در صورتیکه آنها باید لایحه اینکار را تهیه کنند و در آنجا نوع مالیات یا میزان مالیات یا لغاء یا تغییر فلان مالیات را معین کنند و توسط وزارت داخله به مجلس شورای ملی فرستند و ماده ۲۹ بطور کلی يك عوارضی را معین کرده که انجمن بلدی حق داشته باشد آن را تصویب کند یعنی پس از تصویب انجمن بموقع اجرا گذاشته شود وقتی که ما بآن ماده رسیدیم ممکن است طرز تنظیم لایحه را در آنجا درست کنیم یعنی ممکن است بگوئیم ناچه درجه بتصویب مجلس باشد و ناچه درجه ممکن است بتصویب خود انجمن موکول کرد این است که بنده پیشنهاد کرده ام نوشته شود (تهیه لایحه برقراری و لغاء یا تفسیر عوارض بلدی و تصویب نظامنامه آن) که بعد از آنکه لایحه آن از طرف بلدیه تهیه و در مجلس تصویب شد و نظامنامه آنهم از طرف انجمن تصویب شد

فروعات هیچ فرقی ندارد. اطلاق مطلق در الفاظ حجت است وقتی که گفتند عوارض و فروعات بطور مطلق شامل همه چیز میشود دیگر بهایوی این اصل نوشته نشده که مثلاً عوارض بلدیه مستثنی است بنا بر این ما صلاحیت نداریم که به بلدیه ها حق وضع مالیات گذاری بدهیم اعم از اینکه این مالیات و عوارض اصل باشد یا فرع. مگر بعد از اینکه مجلس شورای ملی لا اقل نوعش را معین کند. این بود عرایض بنده

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای بامداد

بامداد - بنده مسترد میدارم. تا موقعی که برسیم بآن ماده بیست و نه. حالا مقصود تذکر بود به آقایان نمایندگان که ملتفت باشند مخالف قانون اساسی است.

رئیس - راجع بقسمت دوم، پیشنهاد آقای فهیمی قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

قسمت دوم - تصویب بودجه و اعتبارات تخصیص شده برای مصارف بلدی و مؤسسات مربوطه.

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - عرض بنده همان توضیحی است که داده شد بطور کلی این جا نوشته اند (تصویب بودجه و اعتبارات) و این عبارات اهام دارد و مقصود بنده این است که نوشته شود اعتبارات و مخارجی که برای بلدیه و مؤسسات بلدی تخصیص داده شده.

مخبر - تصور میکنم با توضیحی که آقای دادگر در این خصوص دادند دیگر محتاج به توضیح ثانوی نیست زیرا این مسئله مربوط بامور بلدی است و مربوط به عوارض و عوائد مملکت نیست.

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد

آقای فهیمی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای فیروز آبادی راجع بقسمت سوم (بترتیب ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد اصلاح نسبت به قسمت های ذیل مینامم در قسمت سوم اصلاح شود باین قسم طرح لایحه استقراض بلدی از دولت ایران راجع بقسمت ششم باین قسم اصلاح شود:

ششم - تصویب افتتاح حساب جاری بادلالت ایران. راجع بقسمت هفتم و هشتم:

هفتم - تصویب خرید و فروش اموال منقوله دولت

هشتم - تصویب خرید و فروش اموال غیرمنقوله دولت

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بعد از قسمت سوم در تبصره نوشته

پیشنهاد استقراض در موقعی است که امور مهمه و ضروری

عام المنفعه یا ایجاد مؤسسات اقتصادی بلدی در نظر گرفته شده

باشد. اگر این قید در این ماده بشود ممکن است يك روزی

لایحه استقراضی از طرف انجمن بلدی به مجلس بیاید که

مصادف با تعطیل مجلس باشد و بعبارت آخری مجلس نباشد

و در زمان فترت باشد و چون از طرف دیگر هم امر

ضروری است ممکن است از ناگهائی خارج بک استقراضی

بکنند از این جهت بنده پیشنهاد کردم در صورتیکه

برای کارهای عام المنفعه بخواهند در يك موقعی که مجلس

نیست استقراضی بکنند از داخله قرض بکنند نه از

بانگهای خارجی یا از دولتهای دیگر.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - چون در قسمت سوم چند تا

پیشنهاد دیگر هم هست خوب است اجازه بفرمائید آنها

هم قرائت شود.

شیروانی - بنده هم يك پیشنهادی کرده ام که نظریه

آقای فیروز آبادی را تأمین می کند

رئیس - پیشنهاد های واصله قرائت میشود.

پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی: پیشنهاد میکنم در آخر جزء سوم اضافه شود در حدود نصف عوائد بلدی پیشنهاد آقای تقی زاده: پیشنهاد میکنم در آخر قسمت سوم از ماده بیست و هفت اضافه شود (و پیشنهاد آن توسط وزارت داخله بمجلس شورای ملی) در آخر هر يك از قسمت هفتم و هشتم از همان ماده اضافه شود (شهری)

پیشنهاد آقای مدرس - پیشنهاد میکنم فقره سیم بترتیب ذیل نوشته شود:

طرح لایحه استقراض داخلی که زائد از يك نلک از عایدات سالیانه خود بلديه نخواهد بود.

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - پیشنهاد میکنم بعد از کلمه بلدی در جزو سوم اضافه شود (از داخله) پیشنهاد آقای شیروان - پیشنهاد میشود بعد از قسمت سوم قسمت ذیل اضافه شود:

۴ - طرح لایحه استقراض های خارجی و تقدیم آن بمجلس.

ایضاً پیشنهاد آقای شیروان - پیشنهاد میشود بعد از کلمه استقراض ضمیمه شود داخلی.

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی - عرض میکنم بنده کاملاً معتقد هستم باین که بلديه های شهر ها کاملاً مستقل باشد ولی در مورد قروض بنده عقیده ام این است که باید يك حدودی برایشان معین کرد تا بلديه هر شهری بتواند در همان حدود خودش قرض کند نه این که هر قدر دلش بخواهد بتواند قرض کند و آنوقت از وجوه عمومی مملکت این قرض پرداخته شود. بعقیده بنده بلديه هر محلی باید اختیار داشته باشد نصف آنچه که عایدی دارد قرض کند. حالا شاید بعضی از آقایان نظرشان به نلک باشد بنده با آنها مخالفتی ندارم. در هر حال بنده معتقدم که حدود و اختیارات قرض باید معین باشد و الا ممکن است بلديه يك شهری يك مبلغ

هنگفتی قرض کند و چون این وجوه باید از بودجه عمومی مملکت پرداخته شود آنوقت اسباب زحمت خواهد شد بجهت اینکه قروض هر شهری از عایدات همان شهر باید پرداخته شود. باین جهت بنده پیشنهاد کردم بلديه هر شهر باندازه نصف عایدی که دارد میتواند قرض کند ولی چنانچه عرض کردم بآنک هم موافقم

رئیس - خوب. رای بگیریم یا خیر؟

مدرس - بآنک موافقت.

حاج میرزا مرتضی - بلی بآنک هم موافقم

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - آنچه را که بنده پیشنهاد کرده ام در واقع در خود لایحه یا اندرزه منظور شده چون در آنجا نوشته است (طرح لایحه استقراض بلدی) و بلا فاصله بعد از آن هم برای لایحه اعطای امتیازات نوشته (طرح لایحه امتیازات شهری و پیشنهاد آن بوسیله وزارت داخله به مجلس شورای ملی) بنا بر این در خود این لایحه این معنی متضمن است ولی چون يك مذاکرانی در مجلس پیش آمد و گفته شد که فرضاً يك شهری می خواهد استقراض کند شما چکار دارید. بنده عرض میکنم با حال فعلی ایران مجلس شورای ملی باید در کلیه استقراض های خارجی حتی در استقراض شهر ها از داخله هم باید نظارت کند. مثلاً شاید يك وقت شهر شیراز خواست از بانگ خارجه يك استقراضی بکند و عمارت کریم خان را گرو بگذارد. یا شهر تبریز خواست در مقابل قرض عمارت و ارك عالی قاپو را گرو بگذارد. ما نباید با این کار موافق باشیم و اجازه بدهیم. با قرض از داخلی بنده مخالف نیستم ولی با هر گونه قرض خارجی بنده مخالفم و باید به تصویب مجلس شورای ملی باشد و اگر آن قسمتی را که راجع بقرضه های خارجی است کنار بگذارند بنده موافقم.

مخبر - منظور از این جزء ماده این بود که چنانچه انجمن بلدی

محتاج بيك استقراضی بشود بحدود و اختیاراتی داشته باشد تا بتواند بکوجهی استقراض کند و وظائفی که عهده دار است انجام بدهد و کار خودش را اداره کند. و اگر ما بخواهیم قائل شویم که تمام پیشنهاد و لایحه را انجمن مکلف باشد بمجلس بفرستد این عملی نیست مثلاً در مورد بانصت تومان یا هزار تومان قرض که بلديه محتاج است اگر بخواهد لایحه اش را بمجلس بفرستد تولید اشکال خواهد شد باین جهت در اینجا کمیسیون قائل شد که اگر استقراض برای بلديه لازم شد بتصویب وزارت داخله باشد یعنی این قرضه های جزئی پس از تصویب وزارت داخله بموقع اجراء گذارده شود. ولی آن پیشنهادی که از طرف آقای مدرس شده بود مشعر بر اینکه در حدود اعتبار نلک عایدی بلديه بتواند خودش قرض کند و مخصوصاً با آن پیشنهادی که شده که قرض با بستی از داخله بعمل آید دیگر دچار زحمت نمیشویم و راهی هم برای بلديه ها باز است که بتوانند رفع احتیاج خود را بنمایند منتها اضافه از آن حدود اگر بخواهند قرض کنند یا از خارجه بخواهند قرض کنند باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد

تقی زاده - پس در وقتی که بآن پیشنهاد دیگر رأی گرفته شد اگر لازم شد به پیشنهاد بنده رأی بگیرد. حالا مسترد میدارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - معروف است. حقیقه آدم مارگریده از ریسبان سفید و سیاه میترسد. مثل آن بدی که کردیم وزراء و کلا را محروم کردیم. ما کم کم سر هر ده روز به ده روز یکی از حقوق مجلس شورای ملی را

(مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)

داریم دور می اندازیم!! آقا: اعضاء انجمن بلدی در حدود قانون وکیل نیستند بنده و شما در حدود قانون اساسی وکیلیم. مسئله استقراض و وضع مالیات حتماً باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد. غیر از مجلس شورای ملی هیچکس حق ندارد این کار را بکند...

شیروان - آنها هم وکیلند. آنها را هم مردم انتخاب می کنند.

آقا سید یعقوب - آقای شیروانی: آنقدر احساسات بخرج ندهید و آنقدر نفرمائید که اعضاء انجمن بلديه وکیل هستند و میتوانند فلان و فلان کار را بکنند. آن قدر حقوق خودتان را از دست ندهید. ما وکیلیم نه آنها ما حق خودمان را از دست میدهم بسیار خوب! اقلأ خوب است حق اخلاف خودمان را از دست ندهیم. بنده عرض میکنم اگر میخواهند قرض بکنند باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد. در موضوع قرض از داخله آن پیشنهاد آقای مدرس در واقع بکطوری مسئله را درست کرد و راهی را باز کرد. اما در موضوع قرض از خارجه باید حتماً بتصویب مجلس شورای ملی برسد.

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقابانیکه قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد: میفرمائید پیشنهادها مراجعه شود بکمیسیون؟

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - بقیه مذاکرات میباید برای جلسه بعد.